

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۰ • ۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ • ۲۰ جولای ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۵۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۸
اذان صبح فردا ۴:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۰۴

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا

با راه‌اندازی کمپ نگهداری و ساماندهی سگ‌های بی‌پناه خیابانی به تدریج شرایط بهتری در سطح شهر یزد به‌وجود آمده است. عکس: مجید دهقان‌زاده، مهر



یاد

به یادگار مانده است. او به دنبال بدعت‌گذاری بنیان‌گذار سنگ‌بری نوین در ایران در ۹۲ سالگی در تهران درگذشت. غفار داورپناه ورنوسفادراتی در سال ۱۳۰۸ شمسی در سده اصفهان متولد شد و به دلیل حرفه پدرش از کودکی به سنگ‌تراشی روی آورد. مهم‌ترین اثر به‌جامانده از او، برج آزادی در تهران است. کار انتخاب سنگ، برش و اجرا را او انجام داد و صنعت و هنر را در هم آمیخت. این برج ده‌هاست که برای چندین نسل ایرانیان

به یادگار مانده است. او به دنبال بدعت‌گذاری در صنعت سنگ، سنگ‌گرانیته را به بازار ایران عرضه کرد. او اولین کسی بود که در ایران گرانیته را برش داد و نمونه موزه میدان آزادی شهادی بر این ادعاست.

داورپناه در سال ۱۳۲۷ نخستین کارگاه سنگ‌بری را دایر کرد و این سرآغاز ۷۰ سال تجربه او در صنعت سنگ ایران بود؛ او تا سال ۵۷ و هم‌زمان با انقلاب اسلامی، چندین کارخانه سنگ‌بری ساخت

و با واردکردن آخرین فناوری‌های روز، این صنعت را گسترش داد. آقای داورپناه گفته بود که پس از سال ۳۲ با هوشنگ مسیجون، معمار و تندیس‌ساز سرشناس آشنا شد که در کار صنعتی او، «تحولات زیادی» اتفاق افتاد.

به گفته غفار داورپناه، آقای سیحون، مهندسی «دقیق و سخت‌گیر» بود که «هر کاری که می‌خواست باید انجام می‌شد». این دو پروژه‌های زیادی را به‌طور مشترک انجام دادند؛ از جمله مقبره نادرشاه.

به یاد «مریم میرزاخانی»، یک اسطوره



عبدالرضا ناصر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

۲۳ تیرماه سالروز درگذشت مریم میرزاخانی بود. از زمانی که جایزه فیلسز را گرفت تا فوت غمناکش و بعد از آن در چند فرصت دیگر درباره مریم میرزاخانی نوشتم. هرچند او کار خود را کرد و مهم‌ترین اثرها را در تاریخ بشر گذاشت اما هر بار که می‌خواهم در مورد او صحبت کنم یا چیزی بنویسم بغض کلویم را می‌گیرد. قبل از هجوم کرونا بود که برای ایراد یک سخنرانی به دانشگاه صنعتی شریف دعوت شدم. اولین بار بود که به این دانشگاه می‌رفتم. دانشگاهی که همیشه آرزوی

تحصیل در آن را داشتم. می‌خواستم راز ریاضیات را کشف کنم، بفهمم چگونه جهان با ریاضی می‌تپد اما دست بر قضا، داستان من هم مشابه بسیاری دیگر از جوانان این سرزمین شد که ناخواسته راهی رشته‌های

پزشکی شدند و از آرزو و رؤیای خود بازماندند. آن روز که در فضای دانشگاه شریف قدم می‌زدم گرچه این افکار مرا احاطه کرده بودند اما بیش از هر چیزی به مریم میرزاخانی می‌اندیشیدم که چگونه در همین فضا بالید، به آمریکا رفت، راز منحنی‌ها را دریافت و چون رازها را برملا کرد به آرامی از این جهان رخت بپوست. و باز اندوهناک بود که یک بیماری او را از ما گرفت؛ موضوعی که کار هرروزه من است و به‌عنوان یک پزشک باید هر لحظه با انواع بیماری‌ها روبه‌رو شوم. در طول زندگی‌ام انسان‌های بزرگ بسیاری را دیدم اما باید بگویم برای نسل من و آنهایی که سواد ریاضی داشتند، مریم میرزاخانی یک اسطوره بود و اینکه در همان عنوان جوانی او را دیدم جزو افتخارات بزرگ زندگی من محسوب می‌شود. حالا انگار همان منحنی‌های پیچیده ریاضی دوباره مرا به دیدار او کشانده اما این بار در زمینه یک بیماری که جان او و منحنی‌هایش را می‌گرفت. و ای که بیماری جقدر قدرتمند و نابودکننده است. با این



او به خوبی می‌تواند به این فیلم شکل بدهد. فضاهای آن را تغییر دهد تا نتایج فیلم نیز عوض شود. لازم نیست که نتیجه به آن دهشتناکی‌ای باشد که ما در روند داستان مشاهده می‌کنیم. ما می‌توانیم فعالانه در روند فیلم دخالت کرده و فضای آن را طوری تغییر دهیم که نتیجه هم مقبول ذهن ما باشد. نمی‌دانم در آن دورانی که میرزاخانی درگیر بیماری خود بود چنین ارتباطاتی نیز بین بیماری خورنده سرطان و فضاهای ذهنی برگرفته از ریاضی پیدا می‌کرد؟ آیا چنین فضا سازی‌هایی به الیتام دردهای او کمک می‌کرد؟ آیا جهان ریاضی و جهان بیماری سرطان در ذهن او با هم تلاقی کردند؟ نمی‌دانم. اما آنچه اتفاق افتاد می‌تواند راهی برای رهایی هزاران بیمار دیگر نیز محسوب شود. اینکه ما با ذهن خود فضاهای آزادنده خود را عوض کنیم، چارچوب‌ها را تغییر دهیم و سبب شویم که دنیا به شکل دیگری خود را به ما نمایش دهد. این‌گونه راحت‌تر می‌توانیم بر آلام خود فائق آییم.

روزها

عید تسلیم و ایمان

عبرایا نیاکان: عید قربان را جشن می‌گیریم تا تجلی ایمان راستین را در دل و اذهان مسلمانان زنده نگه داریم که در آن درس‌ها و عبرت‌های فراوان تربیتی و اخلاقی نهفته است. رفتاری که شاید در ظاهر در عقل و مرام برخی دنیا‌دوستان و مادی‌گرایان خوش نیاید؛ اما روح حاکم بر این روز بزرگ سراسر حکمت، تسلیم و ایمان به فرمان خداوند مهربان است. حکایت ابراهیم و اسماعیل نه تنها یک حقیقت راستین، بلکه یک کتاب از آموزه‌های ایمان است و تربیت که الگوی والایی پیش روی انسان‌ها قرار می‌دهد. این مقال بر آن است تا به برخی از عبرت‌های تربیتی این واقعه مهم تاریخی اشاره‌ای کند.

رهایی از وابستگی و بیوستن به دلبستگی: در آموزه‌های دینی، عشق و علاقه به خانواده یک فضیلت است؛ ولی این علاقه نباید غفلت از یاد معبود جهان را در پی داشته باشد. علاقه‌مندی انسان به فرزندان مسئله‌ای فطری و موهبت خداوند است که از آن به مهرورزی یاد می‌کنند، ولی زیبایی این علاقه تا جایی است که بندگان خالص خدا را از دلبستگی به معبود حقیقی غافل نکند.

در جریان امر حضرت ابراهیم(ع) به برقراری توازن میان مهر، عاطفه و علاقه پدری و انجام فرمان خطیر الهی به زیبایی هرچه تمام‌تر مشهود است.

بایسته‌های علاقه به فرزندان: علاقه به فرزندان چنانچه به‌درستی تنظیم شود، والدین را از فرمان خداوند باز نمی‌دارد. زمانی که حضرت ابراهیم(ع) با امر الهی روبه‌رو شد، آن را با فرزند خود مطرح کرد و با توجه به تربیت دینی شایسته فرزند او نیز با آن موافقت کرد و آماده اجرای دستور الهی شد. این مسئله در کام‌های دیگری از زندگی این پدر و پسر موحد نیز مشهود است. تا جایی که در گرمای طاق‌ت فرسای حجاز به کمک یکدیگر بنای مقدس خانه کعبه را بنا نهادند و این وظیفه الهی را با شوق فراوان به اتمام رساندند.

خبر

شاکیان سقط جنین ۱۰۰۰۰ دلار پاداش می‌گیرند
دوپچه‌وله: ایالت تگزاس قانونی به جریان انداخته که شکایت از کلینیک‌هایی را که سقط جنین انجام می‌دهند، مشمول ۱۰ هزار دلار پاداش می‌کند. سقط جنین از هفته ششم حاملگی به بعد در این ایالت قدغن است و تدابیر جدید، مشوقی است برای شهروندان تا علیه دست‌اندرکاران سقط جنین پرونده تشکیل دهند. در هفته ششم حاملگی صدادی قلب جنین را می‌توان در معاینات پزشکی شنید و لایحه قانونی مربوطه بر همین اساس «صدای قلب» نام دارد. این لایحه به‌منظور بازدارندگی هر چه بیشتر، شکایت حقوقی از کلینیک‌ها و مراکز مربوطه را مشمول پاداش کرده است. هرکس علیه

چنین مراکزی اقامه دعوی کند یا خبر بدهد که چه کسانی در این زمینه همکاری می‌کنند، در صورت موفقیت در دادگاه، ۱۰ هزار دلار پاداش خواهد گرفت. گرگ ابوت، فرماندار جمهوری‌خواه تگزاس، این لایحه را در ماه می امضا کرده و بررسی روزنامه «نیویورک تایمز» نشان می‌دهد که قانون جدید و سخت‌گیری‌ها چه مشکلات و پیامدهایی برای کل آمریکا که بار آورده‌اند. تفاوت این امر با سایر موارد در این است که مجریان قانون این‌بار برای پیاده‌کردن آن به مردم متوسل شده‌اند. شهروندان آمریکایی اعم از اینکه ساکن تگزاس یا ایالت‌های دیگر باشند، می‌توانند از دست‌اندرکاران سقط جنین شکایت کنند و به ازای هر پرونده موفق، ۱۰ هزار دلار جایزه بگیرند.

برنده آبی

خوزستان تنها نیست

• دو روز پیش بود که محمدباقر نوبخت، معاون رئیس‌جمهور، از «اختصاص اعتبار هزار و ۱۵۰ میلیارد تومانی برای رفع مشکلات خوزستان» خبر داد که ۵۰ درصد آن «همان روز» از سوی سازمان برنامه و بودجه تخصیص داده شد.

شاید در همین عبارت کوتاه بتوان ریشه مشکلات امروز خوزستان، سیستان و بلوچستان و احتمالاً در آینده نزدیک بسیاری از مشکلات ایران را دید. گویی بحران بزرگی که حالا زندگی را بر هم‌وطنان خوزستانی ما تنگ کرده، مسئله غیرمترقبه و خلق‌الساعه‌ای بوده که حالا قرار است به یک انگشت اشاره آقای نوبخت و در «یک روز» حل شود. همین دست ساده‌انگاری در پرداختن به مشکلات و معضلات بزرگ کشور را می‌توان در بسیاری از شئون زندگی مردم ایران دید. چالش‌ها و بحران‌هایی که با آنها مواجه هستیم، نتیجه همین نگاه‌ها به مسئله است.

از بحران واکنش‌ناسیون در ایران تا تشنگی مردم جنوب ایران، همه و همه مسائلی است که تلاش شده دیده نشود. به آن پرداخته نشود و گوشه‌ای دفن شود تا روزی مثل دل تنگ‌شده مردم سوسنگرد بیرون بزند. نتیجه نشنیدن پند ناصحان و دلسوزان در همه این سال‌ها حالا شده تشنگی جمعیت بزرگی از مردم ایران در جنوب کشور.

این‌بار دیگر اعتراض مردم نه برای آزادی‌های سیاسی یا حل بحران‌های اقتصادی بلکه برای به‌دست‌آوردن «آب» به‌عنوان مایه حیات است؛ نخستین و اولین نیاز انسان که گویا در برخی شهرها و روستاهای ایران جوابی برای آن نیست. محبوسه یک کاربر دزفولی در حساب توئیتری‌اش با به اشتراک گذاشتن هشتک #خوزستان_آب_ندارد نوشته: «نکته اول: خوزستان پرآب‌ترین و بلندترین رود ایران را دارد. چنان بزرگ که زمانی می‌شد در آن کشتی راند. خوزستان چندین رود مهم دیگر هم دارد. یک سوم رودهای ایران به خوزستان می‌ریزند. منطقه‌ای است پر از زمین



حاصلخیز. اینها بانی تمدنی هزارساله بودند. نکته دوم: خوزستان آب ندارد». چند بازیکن باشگاه استقلال هم در حساب اینستاگرام خودشان با اشاره به مسئله خوزستان با مردم این استان همدردی کردند؛ از جمله مهدی قایدی که نوشت: «خوزستان آب ندارد، ما وجدان».

مهدی بیراحی، خواننده اهوازی که در سال‌های گذشته بابت حمایت‌هایش از چالش‌های مردم خوزستان با حواشی زیادی هم همراه شده بود، با انتشار ویدئو تک‌لیپ معروف «پاره‌سنگ» در حساب توئیتری‌اش نوشت: «و ملتی تمام مسئله‌اش این است که قبل از کرونا، از بی‌آبی و بی‌کفایتی ... نگردد». اما اعتراض‌های چندروزه مردم در شهرهای خوزستان این روزها مهم‌ترین و داغ‌ترین موضوعی است که در شبکه‌های اجتماعی به آن پرداخته می‌شود.

یک کاربر خوزستانی با اشاره به حضور ماشین آب‌پاش برای متفرق‌کردن مردم نوشته: «طنز ماجرا اینجاست که مردم برای آب به خیابان آمده‌اند و برای متفرق‌کردن‌شان ماشین آب‌پاش آورده‌اند». در حالی‌که فیلم‌های منتشرشده در فضای مجازی روایت‌های روشنی دارد، در اخبار رسمی کشور همچنان بسا ضمایر مبهم درباره این مسئله حرف زده می‌شود؛ از جمله اینکه روز گذشته آیت‌الله محسن حیدری، نماینده خوزستان در مجلس خبرگان رهبری، با اعلام اینکه «همه ما خون خواه دو جوان کشته‌شده شادگانی و کوت‌عبداللهی هستیم»، گفت: «انسان‌های چنانکتار، وابسته به اجنبی و ضد انقلاب با سوءاستفاده از مطالبات مردمی در بین آنها تیراندازی کرده و افراد بی‌گناه را می‌کشند».

سعید حجاریان هم در واکنش به اتفاقات خوزستان در حساب توئیتری‌اش نوشته: «ممتدا کاش بودی و می‌دید... در جنگ هشت‌ساله خوزستانی‌ها بر سر خاک مقابل گلوله‌های روبه‌رو ایستادند؛ اما الان بر سر آب... با سرنوشت خوزستان بازی نکنید!».

نمایی از پارونگ بنه، ولی امامان بزرگ مکه به رمای کارون کوسه و نماسخ دانسه!!!!
#خوزستان_آب_ندارد

